

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

موضوع: مهارت‌های تبلیغی؛ منبر فاطمیه

(سخنرانی در مسجد امام صادق پردیسان)

فهرست مطالب این سخنرانی:

سفارش ویژه پیامبر در حق حضرت زهرا (سلام الله علیها)

این حدیث صحیح بخاری، از معجزات اهل بیت است!

اهل سنت درباره این دو روایت چه جوابی دارند؟!

تعداد زیادی از اساتید و علمای اهل سنت با این دو روایت شیعه شدند!

این آیات را باید از قرآن حذف کرد!!

به جای فحش و اهانت، حقایق را بیان کنید!

سیره و روش امام صادق (سلام الله علیه) در برخورد با اهل سنت

روایت عجیب امام صادق (سلام الله علیه) به شیعیان مطیع!

یک نذر با برکت

حقیقت ایمان، ایمان این پیر زن است!

وقتی شبهات وهابیت، استاد و شاگرد را به هم می ریزد!

## پرسش ها و پاسخ ها

۱- آیا سند نسب خلیفه دوم درست است یا نه؟

۲- روش شناسی مطالب تاریخی معتبر از غیر معتبر چیست؟

۳- بار دیگر منبع حدیث «یا فاطمه ان الله یرضی لرضاک و یغضب لغضبك» بفرمایید.

۴- مواضع «آیت الله وحید خراسانی» در مورد «وحدت» چگونه است؟

۵- در فضای مجازی مصاحبه‌ی از شما پخش شده که آقای «محمود کریمی» مداح شهیر را تکفیر کرده‌اید؟

۶- لطفا راجع به «احمد الحسن» توضیح مفیدی ارائه دهید، آیا این شخص تقاضای مناظره با مراجع کرده است؟ شما چه جوابی دارید؟

۷- ازدواج با اهل سنت جایز است یا خیر؟

۸- حمله منجر به زخمی شدن حضرت زهرا (سلام الله علیها) چند وقت قبل از شهادت ایشان بود؟

۹- در مورد «فاطمة بضعة منی» بعضی‌ها گفته‌اند که در رابطه با ازدواج مجدد امیرالمؤمنین است، نظر شما چیست؟

۱۰- بعضی از دوستان مراسم «عید الزهرا» را در مجالس خصوصی برگزار می‌کنند، نه به صورت علنی که پخش شود، نظر شما در این مورد چیست؟

۱۱- برخی می‌گویند اگر لعن ائمه اهل سنت بد است، چرا مرگ بر آمریکا می‌گوییم؟

۱۲- روایتی اهل بیت برائت را به فرزندان خود آموزش می‌دادند، درست است؟

۱۳- آیا در سوزاندن درب خانه وحی سندی از کتب اهل سنت وجود دارد؟

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله،  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و هجوم به خانه وحی و به منزل صدیقه طاهره و شهادت اولین شهید راه ولایت حضرت محسن و مجروح شدن صدیقه طاهره را به پیشگاه مقدس بقیة الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و همه علاقه مندان و دلباختگان عصمت و طهارت تسلیت و تعزیت می‌گوییم. از طرفی هم فرا رسیدن عید الزهرا، آغاز امامت و ولایت مولا و سرورمان بقیة الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و پس از آن میلاد خجسته نبی مکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) و رئیس مذهب شیعه امام صادق (سلام الله علیه) را به همه شما گرامیان تبریک عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی صدیقه طاهره که این روزها دارند سخت‌ترین دوران زندگی‌شان را سپری می‌کنند سوگند می‌دهیم که پاداش ما را فرج موفور السرور مولایمان بقیة الله الاعظم قرار بدهد با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

من چند نکته‌ی را به عنوان تذکر فهرست وار اشاره می‌کنم و در پایان دوستان اگر سؤالی داشته باشند، چه به صورت نوشتاری و چه به صورت شفاهی مطرح کنند من در خدمتشان هستم.

**سفارش ویژه پیامبر در حق حضرت زهرا (سلام الله علیها)**

نکته اول: این روزها قضیه‌ی هجوم به خانه وحی و هتگ حرمت بیت نبوت و تنها یادگار نبی گرامی صورت گرفته که قطعا قلب مقدس امام زمان ارواحنا لتراب مقدمه الفداء محزون و غمناک است.

با این که رسول اکرم بارها و بارها نسبت به اهل بیتش بویژه نسبت به صدیقه طاهره سفارش و توصیه کرده بود، رضایت و غضب صدیقه طاهره را رضایت و غضب خودش معرفی کرده بود و فرموده بود:

«إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

خداوند با غضب تو خشمگین می شود و با رضایت تو خدا خشنود می شود

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٦٧، ح ٤٧٣٠

«حاکم نیشابوری» در «مستدرک» این روایت را نقل می کند و سپس می گوید روایت صحیح است و شرایط «صحیح بخاری و مسلم» را دارد.

بالاتر از او خود «بخاری» متوفای ۲۵۶ق در صحیح خودش که به تعبیر اهل سنت صحیح ترین کتاب بعد از قرآن است در ده دوازده جا حدیث:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

الجامع الصحیح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ٣٥٠٩، ح ٣٥١٠

را آورده است. از جمله از قول «مسور ابن مخرمه» دارد:

## «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِئِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

فاطمه پاره وجود من است، غضب او غضب من است!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار

النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا،

ج ۳، ص ۱۳۷۴، ح ۳۵۵۶

«مسلم» در کتاب خودش «صحيح مسلم» جلد ۷ صفحه ۱۴۱، حديث ۶۲۰۲ دارد:

## «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِئِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا»

باز در کتاب‌های مختلف دیگر این قضیه آمده است و این سخن رسول اکرم نسبت به صديقه طاهره به خاطر بحث ابوت و بنوت نیست، به خاطر این که زهرا دختر او و نسل او است نیست.

رسول اکرم طبق آنچه که اهل سنت هم دارند مثل «نووی» در «مجموع» خودش دارد و «قرطبی» در «تفسیر» خودش دارد، رسول اکرم دارای هشت فرزند بود چهار پسر و چهار دختر که قبل از صديقه طاهره «زینب» همسر «عمر و ابن عاص» در جنگ بدر اسیر شد و داستان مفصلی دارد؛ بنا شد برای اسرای «بدر» فدیهای بیاورند بستگان اسرا هرکس يك چیزی آورد، «عمر و ابن عاص» از نظر مالی در مضیقه بود دیدند زینب دختر پیغمبر گردنبندی را آورد و جلوی پیغمبر به عنوان فدیهای همسرش گذاشت، رسول اکرم چشمش به گردنبند افتاد شروع به گریه‌ی شدید کرد و با صدای بلند گریه کردند.

عرض کردند یا رسول الله چرا گریه می‌کنید؟ فرمود این گردنبند یادگار «خدیجه» همسر وفادار من به دخترش در شب عروسی بود، وقتی چشمم به این گردنبند افتاد، آن فداکاری‌ها و آن ایثارها و از خود گذشتگی‌ها و آن جهاد همسر «خدیجه» در ذهنم تداعی شد.

دیگر فرزندان دختر رسول اکرم دو تا از عروس‌های «ابولهب» زن «عتبه و عتیبه» بودند بنابر قول اکثر علمای شیعه به جز یکی دو نفر که معتقدند که آنها خواهر زاده‌ی «خدیجه» بودند!

همچنین «طیب، طاهر و قاسم» که هر سه در «مکه» از دنیا رفته‌اند، فرزندان ذکور رسول اکرم بود. «ابراهیم» در «مدینه» از دنیا رفت؛ فرزند پیغمبر بود. شما می‌بینید که در حق هیچ‌کدام از آن‌ها این تعبیر نیست، که در رابطه با صدیقه طاهره دارد.

پس معلوم می‌شود که قضیه ارتباط صدیقه طاهره با نبی مکرم يك قضیه‌ی فراتر از پدر و فرزندی و «ابوت و بنوت» است. شاید به خاطر این بوده است که رسول اکرم می‌دانست بعد از او امت دچار کجروی و انحراف خواهد شد و بارها هم فرموده بود:

**«وَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلَّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً»**

الجامع الصحيح سنن الترمذي، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمی الوفاة: ۲۷۹،

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج ۵، ص ۲۶۴

این را «حاکم نیشابوری» نیز در «مستدرک» جلد اول مفصل نقل می‌کند، «آلبانی» در «سلسله الاحادیث الصحيح» مفصل این بحث را مطرح کرده است.

پیغمبر می‌داند بعد از خودش مشکلات و انحراف‌های در جامعه اتفاق خواهد افتاد، در زمان حیات پیغمبر، پیغمبر الگو بود و سخن پیغمبر فصل الخطاب بود؛ ولی بعد از پیغمبر مردم باید يك الگو و فصل الخطابی داشته باشند که قائم مقام سخن پیغمبر باشد.

از طرفی می‌بینند «ابوبکر، عمر، طلحه و...» این‌ها در يك طرف هستند و از آن طرف «امیرالمؤمنین، سلمان، ابی ذر و...» در طرف دیگر هستند برای همین امر مشتبه بود که آیا حق با این‌ها است و یا حق با آن‌ها است، وقتی نبی مکرم می‌گوید:

**«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا»**

فاطمه پاره‌ی وجود من است، این‌که بعضی‌ها می‌گویند پاره‌ی تن من است اشتباه می‌کنند، حضرت می‌فرماید: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، نه من جسدی» پاره‌ی وجود من است، غضب فاطمه، غضب من است، رضایت فاطمه رضایت من است.

پیغمبر می‌خواهد الگو معین کند، مردم! اگر جامعه دچار تلاطم و دچار مشکل شد اگر شما دچار شبهه شدید، من برای بعد از خودم يك نمونه و الگوی می‌خواهم معرفی کنم.

**این حدیث صحیح بخاری، از معجزات اهل بیت است!**

از آن طرف این هم خیلی جالب است و می‌شود گفت این هم از معجزات اهل بیت و از معجزات صدیقه طاهره است که این روایت در صحیح‌ترین منابع اهل سنت مانده و امروز بعد از ۱۴۰۰ سال خیلی از اندیشمندان اهل سنت دچار تحیر شدند که این‌ها را چطوری تحلیل کنند و چطوری جواب بدهند؟

همان‌طوری که عرض کردم «بخاری» در کتاب «صحیح» خودش دارد که:

**«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْزَبَهَا أَعْزَبَنِي»**

از طرفی همین «بخاری» می‌گوید:

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦، دار

النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا،

ج ٣، ص ١١٢٦، ح ٢٩٢٦

من تعجب می‌کنم کسانی که کارشان این بود که این روایت‌ها را تغییر می‌دادند و تحریف می‌کردند، حذف می‌کردند چطوری شده که این روایت‌ها برای ما مانده است؟ یعنی واقعا جای خیلی تعجب است و من معتقدم این‌ها دست عنایت الله تعالی است که این روایت‌ها مانده است.

یا در «صحيح بخارى» قضیه‌ی غضب حضرت زهرا را مطرح می‌کند و این که امیرالمؤمنین شب وفات حضرت فاطمه:

«ولم يُؤذَن بها أبَا بَكْرٍ»

اصلا به ابوبکر اعلام نکرد که حضرت زهرا (سلام الله عليها) از دنیا رفته است

«وَوَصَّلَى عَلَيْهَا»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦،

دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا، ج ٤، ص ١٥٤٩، ح ٣٩٩٨

حضرت خودش به شخصه به جنازه مطهر صديقه طاهره نماز خواند و قبرش را هم برای مردم معین نکرد که البته بنا به وصیت خود صديقه طاهره بوده است.



رفقا و دوستان عزیز نکته خیلی ظریف این است که این دو تا روایت: «فَاطِمَةُ بِضَعَةٌ مِنِّي» و نیز «فاطمة غضبت علی ابي بکر» چه روشن‌گری‌های در امت اسلامی کرده است!

جالب این است همین حدیثی که از «صحیح بخاری» عرض کردم بعد از شهادت صدیقه طاهره با تعبیری که آقایان دارند، امیرالمؤمنین به ابوبکر پیام داد که بیا منزل من:

«وَلَا يَأْتِنَا أَحَدٌ مَعَكَ»

با خود کسی را نیاور! به خاطر این که امیرالمؤمنین نشستن با عمر ابن الخطاب را کراهت داشت

«كَرَاهِيَةٌ لِمَخْضَرِ عُمَرَ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: ۲۵۶، دار

النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا،

ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸

خیلی تعبیر مهمی است، اگر این مطلب در «صحیح بخاری» نبود و شما مطرح می‌کردید فوراً متهم به وحدت شکنی، تفرقه افکنی و توهین به مقدسات اهل سنت و امثال این می‌شدید.

«مقام معظم رهبری» در سالگرد «حضرت امام رضوان الله علیه» سال ۸۹ يك نکته‌ی را فرمود که «طلحه و

زبیر» با آن سوابق درخشانی که داشتند بعد از نبی مکرم منحرف شدند و با توجه به برخوردهای نادرستی که

داشتند امیرالمؤمنین آن‌ها را ادب کرد؛ شما ببینید که اهل سنت چه غوغایی علیه خود مقام معظم رهبری به راه

انداختند!

«مولوی عبدالحمید» رسماً در خطبه‌های نماز جمعه خودش اعلام کرد این موضع تند رهبر انقلاب توهین به اهل سنت است؛ و گفت «طلحه و زبیر» از بزرگان صحابه و از سابقین اولین بوده است و در سوره مبارکه توبه دارد:

(وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ!

سوره توبه (۹) آیه ۱۰۰

می‌گوید: "اهل سنت تصور نمی‌کردند مقام رهبری که همواره نسبت به اهانت به بزرگان و مقدسات یکدیگر به کرات هشدار دادند این تشبیه را در مراسم سالگرد ارتحال «امام» به کار ببرند، این مایه‌ی نگرانی اهل سنت در سطح کشور گردید."

اهل سنت درباره این دو روایت چه جوابی دارند؟

شما ببینید این عزیزان و بزرگوارانی که در این ۴۰ سال مجاهدانه در رابطه با وحدت و تقریب تلاش کردند، نتیجه کار این‌ها چه شد؟ البته این‌ها زحمات زیاد کشیدند، من واقعا دست این‌ها را می‌بوسم و به وجود این عزیزان افتخار می‌کنیم که اگر این تلاش‌ها نبود معلوم نبود اختلاف شیعه و سنی در ایران چه سرنوشتی داشت؟

ولی این‌ها حتی نسبت به خود «مقام معظم رهبری» حاضر نیستند کوتاه بیایند، ایشان آمده گفته «طلحه و زبیر» بعد از پیغمبر در برابر حضرت علی ایستادند و علی هم با آن‌ها برخورد تند کرد. شما دیدید که چه غوغایی راه انداختند؛ ولی شما در همین «صحيح بخارى» تان دارید که اميرالمؤمنين می‌گوید عمر را با خودت نیاور «كَرَاهِيَةً لِمَحْضَرِ عُمَرَ»! وقتی که ابوبکر خانه حضرت علی می‌آید می‌گوید:

«وَلَكِنَّكَ اسْتَبَدَدْتَ عَلَيْنَا»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا،

ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸

این سخن علی است!

یا شما «صحيح مسلم» را ببینید؛ دارد که صحابه و بزرگان مثل «طلحه، زبیر، عمرو بن عاص، عثمان، عبدالرحمن بن عوف و...» نشسته‌اند اميرالمؤمنين با «عباس» عموی‌شان وارد می‌شوند، بحث «فدک» مطرح می‌شود که داستان مفصلی دارد؛ ببینید خلیفه دوم چه تعبیری دارد؟ شما دنبال اهانت می‌گردید در صحيح بخاری و مسلم شما، بدترین توهین‌ها شده است. این‌ها را بردارید يك کارش بکنید!

خلیفه دوم می‌گوید:

«فَلَمَّا تُوفِّي رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ أَنَا وَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ ... فَرَأَيْتُمَاهُ كَاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا»

ابوبکر گفت من خلیفه پیغمبر هستم؛ ولی تویی علی و عباس رأی تان این بود ایشان دروغگو، حلیه‌گر، خائن است!

«ثُمَّ تُوفِّي أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِي أَبِي بَكْرٍ فَرَأَيْتُمَانِي كَاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۳۷۸، ح ۱۷۷۵

حالا شما ببینید «صحیح بخاری و صحیح مسلم» چیزی جا گذاشته اند؟ این را هم من معتقدم از تفضلات اهل بیت بوده که این مسائل بعد از ۱۴۰۰ سال مانده است، اینها را دستهای تحریف و تغییر، از بین نبردند.

من بعضی وقتها به دوستان می گویم شما نیاز نیست که سراغ مطاعن بروید، اصلا این درست نیست، شما همین دو تا روایت ۴۲۴۰ از «صحیح بخاری» و حدیث ۴۴۶۸ «صحیح مسلم» را برایشان بخوانید، ببینید چه جوابی دارند؟

**در هر صورت ...**

**تعداد زیادی از اساتید و علمای اهل سنت با این دو روایت شیعه شدند!**

دوستان عزیز! با توجه به این قضایا در مورد صدیقه طاهره وقتی که می آید می گوید:

**«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي»**

یعنی فاطمه (سلام الله علیها) الگو است، فاطمه بهترین راه تشخیص حق از باطل است، «علامه امینی» مناظره‌ای در مصر داشت ایشان در کتاب «الغدیر» مفصل این مناظره را مطرح کرده است. اگر اشتباه نکنم در جلد ۷ حدود صفحه ۷۸ - ۷۹ است، در آن جا می گوید من از علمای اهل سنت سوال کردم، این روایت

**«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»**

را قبول دارید و یا ندارید؟ این روایتی است که هم در صحیحین آمده، هم در سنن شان آمده، «مسلم» از قول

«عبدالله ابن عمر» نقل می کند:

## «وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً.»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ح ۱۸۵۱

«احمد ابن حنبل» در «مسند» جلد ۴ صفحه ۹۶ می گوید:

## «من مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً.»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶

آیا شما این را قبول دارید یا ندارید؟ گفتند بله قبول داریم، گفتم من يك سوالی از شما می پرسم، صدیقه طاهره

این سنت پیغمبر را قبول داشت یا رد کرد؟

سنت پیغمبر که فرمود: «من مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً» به عنوان يك سنت ثابت پیغمبر مقبول فاطمه

زهره بود یا نه، او را رد کرد؟

گفتند: قطعاً قبول داشت، گفتم: اگر قبول داشت امام صدیقه طاهره چه کسی بود؟ آیا نستجیر بالله وقتی

صدیقه طاهره از دنیا رفت (مات بلا امام و مات میتة جاهلیه) از دنیا رفت؟ یا نه وقتی که از دنیا رفت «وهی

غضبان علی ابی بکر و عمر؟» گفت: همه معطل ماندند که چه جواب بدهند!

«مرکز ابحات عقائديه» يك کتابی به اسم «موسوعة من حیات المستبصرين» نوشته تا به حال ده، دوازده جلد

این کتاب چاپ شده است. در این کتاب شرح حال مستبصرين از علما و دانشمندان و اساتید اهل سنت را آورده

است. اگر این کتاب را مطالعه کنید بسیار خوب است و در اینترنت هم گذاشته اند، دوستان می توانند دانلود

کنند.

«مرکز اباحت عقائديه» در حوزه پاسخ به شبهات عرب زبان، قوی‌ترین مرکز است، این مرکز زیر نظر «آیت الله سیستانی» است.

بینید تعداد زیادی از اساتید دانشگاه‌ها، علمای بزرگ اهل سنت با این دو تا روایت به مذهب اهل بیت آمده‌اند، بعد از ۲۰ - ۳۰ سال به عنوان روحانی اهل سنت و استاد اهل سنت می‌آید می‌گوید این قضیه برای من حل شدنی نیست. روایاتی که از پیغمبر در مورد حضرت زهرا است و برخوردی که آقایان با حضرت زهرا داشته‌اند، هیچ راهی باقی نگذاشته جز این که من بگویم مذهب زهرا مذهب صحیحی است، امام حضرت زهرا غیر از امیرالمؤمنین کسی دیگری نیست که خود را فدای او می‌کند.

شما بینید این قضیه خیلی درد آور است که صدیقه طاهره بین دَر و دیوار با آن وضع فجیع به زمین می‌خورد که اهل سنت هم این قضایا را نقل می‌کنند، «جوینی» مفصل قضیه شهادت حضرت زهرا را نقل می‌کند و «مرحوم کلینی» در «کافی» از قول امام صادق (سلام الله علیه) دارد:

«إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۴۵۸

با آن حالش سوال می‌کند علی کجاست؟ جواب می‌دهند علی را مسجد بردند، دوان دوان به مسجد می‌آید، می‌بیند اوضاع خیلی آشفته است، علی را کشان کشان به طرف خلیفه می‌برند.

این را ما نمی‌گوییم، آقای «ابن قتیبه دینوری» در کتاب «الامامه والسیاسه» در صفحه ۱۶ می‌گوید. شما بینید که چه اتفاقاتی در آن روزها افتاده است.

خلیفه دوم به امیرالمؤمنین می‌گوید:

«بايع»

با ابوبکر بيعت کن

حضرت می فرماید:

« إن لم أبايع فمه؟ »

اگر بيعت نکنم چه می شود؟

شما را قسم به حضرت زهرا جواب او را ببینید! خلیفه دوم می گوید:

«والله الذي لا إله إلا هو لنضربن عنقك»

قسم به خدای لا شریک له اگر بيعت نکنی گردنت را می زنم

الإمامة والسياسة، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري الوفاة: ۲۷۶هـ، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م، تحقيق: خليل المنصور، ج ۱، ص ۱۶

صديقه طاهره وقتى كه اين قضيه را مى بيند دست به معجز و دست به نفرين مى شود «سلمان» قسم مى خورد

مى گويد من ديدم در اثر نفرين صديقه طاهره ستون هاى مسجد بالا رفت، آمدم به دامن صديقه طاهره افتادم

گفتم يا فاطمة الزهرا تو دختر رحمت للعالمين هستى، اگر نفرين کنى يك نفر در کره زمين زنده نمى ماند!

حضرت فرمود بين اين ها با على چه کار کردند؟ «سلمان» گفت على من را فرستاده دست از نفرين بردار!

بعد دست على را مى گيرد يك جمله ي دارد كه خيلى جمله ي جانسوزى است مى گويد يا على:

« رُوحي لروحك الفداء و نفسى لنفسك الوقا يا اباالحسن ان كنت فى خيرٍ كنت معك و ان كنت فى شرٍ

كنت معك»

علی جان، جانم فدای جان تو و جان و روح من سپر بلای جان تو. یا ابالحسن! همواره با تو خواهم بود؛ اگر تو در خیر و نیکی به سر می بری، با تو خواهم زیست و اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود.

نهج الحیاه، ص ۱۴۷، ح ۷۵، به نقل از الکواکب الدرّی، ج ۱، ص ۱۹۶

بینید این قضایا، قضایای ساده نیست که ما بخواهیم از کنار این مسائل بگذریم، دوستان عزیز نکته‌ای که ما باید در این ایام توجه کنیم، این است که الان بعضی از کارها مانند عیدالزهره و بعضی جلساتی که می‌گیرند، که لا شک و لاریب تشکیل این‌طور جلسات و این اشعاری تندی که خوانده می‌شود، توهین‌ها و اهانت‌های که به مقدسات اهل سنت می‌شود قطعاً حرام بین است، لا شک ولا ریب! چون این‌ها این‌طور جلسات را ضبط می‌کنند و در سطح دنیا منتشر می‌کنند.

من خودم سال ۸۱ یا ۸۲ که در «مکه» بودم در «مدینه منوره» یکی از جلسات عید الزهرای قم را که در آن‌جا دارند اشعاری می‌خوانند و نسبت به خلیفه بعضی از نسبت‌های را می‌دهند - که تک تک این نسبت‌ها تعزیر دارد - پخش می‌کردند. ما با دشمن هم اگر بخواهیم برخورد کنیم

(وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى)

... دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است!

سوره مائده (۵) آیه ۸



انصاف را هم باید رعایت کنیم، بعضی از تعبیرها، بعضی از فحش‌ها و بعضی از عبارتها، شکی نیست که خلاف شرع است، حالا بعضی از افراد نا آگاه و بی‌سواد به آن روایت معلق که خودش ضعیف است و روایت از درجه اعتبار ساقط است استناد می‌کنند!

نمی‌دانم این تعبیرهای «رفع القلم» و مسخره بازی‌ها را چه کسی در حوزه‌ها و در جامعه ما وارد کرده است؟! اصلا این روایت مخالف نص صریح قرآن است، مخالف سنت است، مخالف سیره ائمه است، بله روایت «رفع القلم» و چیزهای که ما داریم، مثل نسیان و... آن بحث جدایی است.

آن‌هم که آیا حکم وضعی رفع شده و حکم تکلیفی وضع شده، در بحث اصول آقایان دقت‌هایش را کردند؛ ولی این که قلم برداشته ما هر کاری بکنیم، و هر گناهی بکنیم همان عبارتی است که اهل سنت می‌گویند: "خدا به صحابه گفته هر گناهی خواستی بکن خدای عالم قبل از این که گناه بکنی تو را بخشیده!" ما در شیعه هم چنین چیزی نداریم.

### این آیات را باید از قرآن حذف کرد!!

عزیزان این را دقت داشته باشند، نقل مطالب، افشاگری، اطلاع رسانی و بیان حقایق از ضروریات است، ما نباید به هیچ وجه کوتاه بیاییم، حالا اگر چهار تا اهل سنت خوشش نیاید، نیاید! دیگر من و شما بالاتر از «مقام معظم رهبری» نیستیم. وقتی که نسبت به «طلحه و زبیر» مطلبی می‌گوید داد و فریاد این‌ها در می‌آید، ای وای آسمان به زمین آمد و زمین به آسمان رفت، «مقام معظم رهبری» به «طلحه و زبیر» توهین کرد!

اگر ملاک این باشد به طور کلی باید خیلی از آیاتی که در قرآن در مذمت صحابه است آن‌ها را از قرآن حذف کنیم آیات مانند:

(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنْتًا فَتَبَيَّنُوا)

اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید

سوره حجرات (۴۹) آیه ۶

برای یهود و نصارا که نیست، برای صحابه است و نیز آیه سوره جمعه:

(وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا )

هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را

ایستاده به حال خود رها می‌کنند

سوره جمعه (۶۲) آیه ۱۱

برای صحابه و در اواخر عمر پیامبر است، پیغمبر در حال خواندن خطبه نماز جمعه است، این‌ها پیغمبر را رها

کردند، همه سراغ کار کاسبی و خرید و امثال آن رفتند! این بدترین توهین به نبی مکرم است!

من به یکی از علمای اهل سنت گفتم: شما در نماز جمعه مشغول خواندن خطبه نماز جمعه هستید يك سر و

صدای جلوی مسجد پیش بیاید و مأمومین شما از مسجد برای تماشا بیرون بروند، شما برای این مأمومین چه

اصطلاحی به کار می‌برید و چه می‌گویید؟ ما همان اصطلاح را در حق همین صحابه‌ی که پیغمبر را رها کردند

(وَتَرَكُوكَ قَائِمًا)! به کار می‌بریم.

در آن جریان، جز دوازده نفر دیگر هیچ کس در مسجد النبى نماند و همه بیرون رفتند، این‌ها همه توهین است،

آیا این‌ها را باید از قرآن حذف کنیم؟ و یا آیات سوره توبه و منافقون برای چه کسانی است؟ غیر از این است که

آیات این سوره‌ها از اول تا آخر برای صحابه است! آیا این‌ها را باید حذف کنیم؟

به جای فحش و اهانت، حقایق را بیان کنید!

من عرض کردم بیان کردن حقایق چیزی خوبی است، فحش دادن و توهین کردن ممنوع و مذموم است، این روش ائمه (علیهم السلام) بوده که در این رابطه خود حضرت امیر (سلام الله علیه) به صراحت می‌فرماید:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ»

شما ببینید این نهج البلاغه خطبه ۲۰۶ است:

«وَقَدْ سَمِعَ قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِهِ يَسُبُّونَ أَهْلَ الشَّامِ أَيَّامَ حَرْبِهِمْ بِصِفِّينَ»

نهج البلاغه (للسبّاحي صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق،

ص ۳۲۳، خ ۲۰۶

به «معاویه» فحش می‌دهند، «معاویه» از دیدگاه امیرالمؤمنین غیر از این که باغی است و در برابر امام خروج کرده و مهدور الدم است و اصلاً امیرالمؤمنین «معاویه» را مسلمان نمی‌داند، معتقد است که او اسلام نیاورده در خطبه ۶ نهج البلاغه می‌فرماید:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

نهج البلاغه (للسبّاحي صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق،

ص ۳۷۴

این‌هایی که در فتح «مکه» مسلمان شدند، مسلمان نشدند تظاهر به اسلام کردند، کفر خودشان را مخفی کردند، عین همین را اهل سنت دارند. آقای «هیثمی» متوفای ۸۰۷ در کتاب «مجمع الزوائد» جلد ۱ صفحه ۱۱۳ همین تعبیر را از قول «عمار» نقل می‌کند.

ولی با همه این‌ها وقتی که دارند فحش می‌دهند حضرت می‌فرماید:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ»

مگر بچه شیعه و تابع علی هم فحش می‌دهد!

«وَلِكَيْتُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ»

ببینید چقدر زیبا است، به جای فحش دادن بیایید اعمال و کردار «معاویه»، بیعت شکنی‌ها و جنایاتی که «معاویه» می‌کند برای مردم اطلاع رسانی کنید، حقایق را برای مردم بیان کنید.

«كَانَ أَضْوَبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغَ فِي الْعُدْرِ»

نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق،

ص ۳۲۳، خ ۲۰۶

تأثیر گذاری این‌ها بیشتر است، فحشی که شما می‌دهید، وقتی که آن‌ها می‌شنوند آن‌ها هم به شما و علی فحش می‌دهند.

یا مرحوم «مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد ۷۱ چاپ بیروت و ۷۴ چاپ ایران در صفحه ۲۱۷ از اعتقادات «شیخ صدوق» نقل می‌کند، در این کتاب که جدیداً چاپ شده در صفحه ۱۰۸ است. به امام صادق (سلام الله علیه) می‌گویند یا بن رسول الله:

«إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ»

بعضی‌ها در مسجد می‌روند خلفای اهل سنت را سب می‌کنند

حضرت فرمود:

«فَقَالَ مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ»

چه مرضش است، خداوند لعنتش کند!

بحار الأنوار (ط - بیروت)، مجلسی، محمد باقر، دار إحياء التراث العربي - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق،

ج ۷۱؛ ص ۲۱۷

دوستان عزیز ببینید این منطق امام صادق (سلام الله علیه) است، آیا در این شرایط و این وضع به تعبیر «آیت الله بهجت» جشن عید الزهرا بگیریم؟ چهار تا فحش و دری وری بگویم و در آن طرف دنیا شیعه را هتک حرمت کنند و یا شیعه را بکشند!؟

«آیت الله بهجت» به صراحت می‌گوید اگر شما در «قم، تهران، کاشان، اصفهان و تبریز» جشن عید الزهرا بگیرید و به مقدسات اهل سنت توهین کنید، در آن طرف دنیا يك شیعه کشته شود، خون از دماغ شیعه بیرون بیاید شما شریک و مسؤل هستید.

شما در اینترنت کلیپ «اسپایکر» را سرچ بزنید، هفته اولی که داعش موصل را تصرف کرد، روز دوم و یا سوم بود که در دانشکده افسری، ۱۷۰۰ تا بچه شیعه را کنار «دجله» آوردند، تیر خلاص زدند و گفتند «هذا انتقام

عائشة فی النار»!

دو سال قبل از این حادثه، «یاسر الحبيب» بنا به نقلی داماد «مجتبی شیرازی» که آدم حیفش می‌آید این‌ها را به الاغ تشبیه کند، بلکه باید گفت «بل هم اذل»؛ در «شبکه فذک» در هفدهم ماه رمضان که سالروز وفات و مرگ عائشه بود، این‌ها لباس قرمز پوشیدند و جشن گرفتند و تکرار می‌کردند «عائشة فی النار، عائشة فی

**النار!** نتیجه کارشان این شد که ۱۷۰۰ تا بچه شیعه را به این شکل شهید کردند و گفتند این انتقام بود، آیا این کار درست بود و حضرت زهرا (سلام الله علیها) راضی است؟

من خودم در «افغانستان - کابل» بودم در یکی از حوزه‌های علمیه یکی از اساتید برای من نقل کرد، گفت ما داشتیم با «مینی بوس» از «مزار شریف» می‌آمدیم در وسط راه «طالبان» جلوی ماشین ما را گرفتند، دو تا از بچه شیعه‌ها را پایین بردند، به قدری به این‌ها گلوله زدند که بدنشان مثل لانه‌ی زنبور شد، یکی از طالبان داخل ماشین آمد گفت به «اللهیاری» که در «شبکه اهل بیت» به خلفاء فحش می‌دهد پیام بدهید، این جواب و پاسخ فحش‌های است که ایشان در شبکه خودش به خلفاء می‌دهد!

دوستان عزیز ببینید آیا با این وضع و شرایط ما در جلسات این‌طوری شرکت کنیم یا نه؟ الان هم که شما می‌دانید موبایل و این دستگاه‌های ضبط خیلی کوچک کار را خیلی راحت کرده است، فوراً این‌ها را ضبط می‌کنند و پخش می‌کنند دیگر قابل کنترل نیست.

اگر خدای ناکرده ما در این حوزه بخواهیم کوتاه بیاییم فردای قیامت به عنوان قاتل شیعه ما را محاکمه می‌کنند، خیلی درد است که يك عمری بگویم «یا حسین یا علی و یا زهرا» فردای قیامت من را پای میز محاکمه بکشانند و بگویند تو باعث شدی که چند نفر شیعه کشته شد و تو قاتل شیعه هستی، ولله خیلی درد است!

لذا تقاضای من بر این است که در این حوزه کوتاه نیایم، البته ما «تبری» باید داشته باشیم، اصلاً نمی‌توانیم بدون «تبری» زندگی کنیم، به قول «آیت الله شبیری زنجانی» به من می‌گفت فلانی بدون «تبری» اصلاً «تولی» معنا پیدا نمی‌کند، هزار بار بگو الله، الله، الله... شما نمی‌توانی ایمانت را ثابت کنی، مشرکین مکه هم الله می‌گفتند:

(وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ )

و هرگاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلماً می‌گویند: «الله!»

سوره لقمان (۳۱) آیه ۲۵

ولی در برابر الله چند تا الله کوچولو هم در پایین درست می‌کردند، اما وقتی که لا اله می‌گویند آن الله شما معنا پیدا می‌کند، شما می‌دانید که «تبری» امر قلبی است، همان‌طور که ایمان امر قلبی است.

سیره و روش امام صادق (سلام الله علیه) در برخورد با اهل سنت

در روایات متعدد با سند صحیح داریم که حضرت صادق (سلام الله علیه):

«يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةٌ مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۳؛ ص ۳۴۲

البته روایت کافی از نظر سند مشکل دارد؛ ولی روایت «تهذیب» صد در صد صحیح است.

«يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةٌ مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ»

تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، طوسی، محمد بن الحسن، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۳۲۱

ولی کجا؟ بالای منبر، در جلسات عمومی، جلوی زن و بچه؟ نه! بعد از تعقیبات نماز، بین خودت و خدای خودت،

اگر ما «تبری» هم می‌خواهیم داشته باشیم، باید برای ما الگو اهل بیت باشد.

امام صادق این را انجام می‌دهد و با اهل سنت هم رفت و آمد دارد به آن‌ها احترام می‌گذارد مریض اهل سنت را عیادت می‌کند، در تشیع جنازه اهل سنت شرکت می‌کند، و در شادی‌ها و غم‌های اهل سنت هم حضرت شرکت می‌کند.

عزیزان اگر این روایت «کافی» جلد ۲ صفحه ۶۳۶ حدیث ۴ و ۵ را دقت بکنند خیلی روایت خوبی است. ببینید «معاویة ابن وهب» از اصحاب خاص آقا امام باقر و امام صادق است می‌گوید یابن رسول الله:

**«كَيْفَ يَتَّبِعِي لَنَا أَنْ نَضَعُ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرِنَا»**

تعامل ما با این‌ها چطوری باید باشد؟! نمی‌گوید شما تعامل‌تان خوب باشد یا بد باشد، خود امام صادق ارجاع به سیره ائمه می‌دهد، می‌گوید:

**«تَنْظُرُونَ إِلَيَّ إِلَى أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ»**

ببینید امامان شما که به آن‌ها اقتدا کرده‌اید، برخورد و تعامل این‌ها با اهل سنت چطوری است

**«فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ»**

هرکاری که آن‌ها با اهل سنت می‌کنند شما هم همان کار را بکنید

**«فَوَ اللَّهُ»**

حضرت قسم می‌خورد:

**«إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرَضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»**

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۶۳۶



می‌گوید برخوردار امامان شما با این‌ها این‌طوری است، از مریض‌شان عیادت می‌کنند، در تشیع جنازه‌شان شرکت می‌کنند در غم و شادی‌شان شریک هستند.

### روایت عجیب امام صادق (سلام الله علیه) به شیعیان مطیع!

یا در روایت دوم که روایت «زید شحّام» است، خیلی عبارت عجیبی است؛ امام صادق (سلام الله علیه) به «زید شحّام» می‌فرماید:

«اقْرَأْ عَلَيَّ مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي»

معلوم می‌شود در آن زمان هم بعضی از شیعه‌ها مثل بعضی از شیعه‌های زمان ما، يك مقدار نخاله بودند، حرف امام معصوم را هم گوش نمی‌کردند. حضرت می‌گوید آن‌های که از من اطاعت می‌کنند؛

«يَأْخُذُ بِقَوْلِي»

حرف من را می‌گیرند و قبول دارند

«اقْرَأْ السَّلَامَ»

به آن‌ها سلام من را برسان

اگر شما نگاه کنید، بعضی از شیعه‌ها قلب امام صادق را به قدری به درد آوردند که کمتر از دشمن نبوده است، همین اخباری‌های زمان امام رضا (سلام الله علیه) خون به دل امام رضا کردند؛ همان‌های که بنیانگزار مذهب «واقفیه» بودند مثل «علی ابن حمزه بطائنی و زیاد قندی» این‌ها وکلای ویژه و خاص امام کاظم (علیه السلام) بودند، بدبختی ما این است، ضربه‌ی که ما از خودی‌ها می‌خوریم از دشمن همچنین ضربه‌ی نمی‌خوریم

لذا امام صادق (سلام الله عليه) می‌گوید آن‌های که از من اطاعت می‌کنند و حرف من را قبول دارند سلام برسان و به این‌ها بگو:

«صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ وَ اُدُّوا حُقُوقَهُمْ»

با اهل سنت برخوردتان برخورد دستانه و محبت آمیز باشد، بعد می‌گوید اگر کسی این طوری کرد می‌گویند:

«هَذَا جَعْفَرِيٌّ»

این تربیت شده امام صادق است

«فَيَسْرُنِي ذَلِكَ وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الشَّرُّورُ وَ قِيلَ هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۶۳۶

می‌گویند امام صادق (عليه السلام) چه شیعه‌های خوبی تربیت کرده است، چه اخلاقی خوبی دارند.

«كُونُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۷۷

«وَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ»

اما اگر روش شما غیر این باشد، برخوردتان تند باشد، فحش بدهید، ناسزا بگویید

«دَخَلَ عَلَيَّ بَلَاؤُهُ وَ عَازُهُ»

ننگ این کار شما به من امام صادق بر می‌گردد

«وَقِيلَ هَذَا أَدَبٌ جَعْفَرٍ»

می‌گویند امام صادق نتوانسته شیعه‌هایش را خوب تربیت کند

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۶۳۶

دوستان عزیز! من معتقدم اگر بتوانید «کافی» را از اول تا آخر مباحثه کنید، یعنی روزی چهار، پنج صفحه از همان جلد اول تا آخر جلد هشتم، یک دوره مطالعه و مباحثه کنید خیلی مطالب در لابلای این روایات است، البته هرکس با سلیقه خودش نوت برداری می‌کند.

### یک نذر با برکت

من سال ۶۰ یا ۶۱ یک نذری کرده بودم، که «بحار الانوار» را از اول تا آخر مطالعه کنم و نذرم را هم بر آورده کردم. یک سال سه ماه تابستان که در «قزوین» بودم هر روز نماز صبح را که می‌خواندم، یک جلد «بحار الانوار» را بر می‌داشتم و دیگر هیچ کاری هم نمی‌کردم، نه ملاقاتی، نه تلفنی، ساعت ۹ و ۱۰ شب این یک جلد را تمام می‌کردم و نوت برداری هم می‌کردم، الان که نزدیک ۴۰ سال از آن زمان گذشته از آن نوت برداری‌ها استفاده می‌کنم.

الان هم وقتی یک موضوعی پیش می‌آید می‌گویم این موضوع در جلد چندم «بحار الانوار» است، در ذهنم است که فلان جلد «بحار» این موضوعات را دارد؛ یعنی برای من یک برکتی بود، آن سال مطالعه روایات اهل بیت یک نورانیتی برای من درست کرد، هنوزم که هنوز است لذت و شربینی‌اش زیر زبانم است.

اگر ما بتوانیم کتاب «کافی» را از اول تا آخر تمام ابوابش را اعم از فقهی، اخلاقی و غیره را یک دوره مطالعه کنیم، البته مطالعه تنها هم بدرد نمی‌خورد، مباحثه کنید، یک نفر، دو نفر، سه نفر یک لجنه‌ی شش - هفت نفری تشکیل بدهید، و عمیق مطالعه و مباحثه کنید.

به جای این سریال‌های مزخرفی که جز اعصاب خرد کردن چیزی دیگری برای ما نمی‌آورد، جز این که ما را اوهامی و خیالاتی بار می‌آورد، شب هم که می‌خواهیم خواب‌های آشفته و کشت و کشتارهای نادرستی که در این سریال‌ها است را می‌بینیم و ذهن ما را خراب می‌کند، به جای نگاه کردن این سریال‌ها کتاب «کافی شریف»، یا اگر مرد میدان هستی «وسائل» را بردارید از اول تا آخر جلد ۳۰ یک دوره مطالعه کنید، خدا می‌داند در لابلای این روایات یک معارفی است که چه بسا یک روایت زندگی ما را ۱۸۰ درجه تغییر بدهد.

من یادم نمی‌رود، در همان تابستان به چند تا روایت برخورد کردم، برای من تکان دهنده بود، و در حوزه هم این همه درس اخلاق که می‌رفتم همچنین روایت‌های را نشنیده بودم، که امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مُرُوتَهُ»

هرکس پشت سر بردار دینی حرف بزند، با آبروی برادر دینی بازی کند

«أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وِلَايَتِهِ إِلَى وِلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ»

خدا او را از تحت ولایتش بیرون می‌کند، وارد ولایت شیطان می‌کند و شیطان هم او را نمی‌پذیرد.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، مجلسی، محمد باقر، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق،

ج ۲۲؛ ص ۱۶۸

به قولی می‌گویند «ویل لمن كفره نمرود»!!

## در هر صورت...

این نمونه‌ی از برخورد ائمه ما (سلام الله عليهم اجمعين) با این قضایا است. یا شما ببینید روایاتی را که تقریباً در حد متواتر است، فقهای ما قدیما و حدیثا همه بر اساس این روایت فتوا داده‌اند:

«مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۸۰

کسی که در صف اول جماعت نماز اهل سنت نماز بخواند، نه تنها نمازش مقبول است، - شما تعبیر را نگاه کنید، چقدر تعبیر ظریف است، - می‌گوید: مثل این که در صف اول نماز جماعت پیغمبر نشسته است، این کاملاً مشخص است.

آن‌ها در مساجد ما نمی‌آیند؛ ولی ما باید در مساجد آن‌ها بیرویم و در صف اول‌شان باشیم با دست راستی‌مان رفیق بشویم با سمت چپی‌مان رفیق بشویم، اخلاق ما را که تربیت شده امام صادق (سلام الله علیه) است ببینند، مطالب اهل بیت (علیهم السلام) را به این‌ها منتقل کنیم.

دوستان عزیز! همین حضور در مسجدها و نماز جماعت‌ها یکی از بهترین راههای انتقال فرهنگ اهل بیت به جوانان اهل سنت است، امام صادق نمی‌خواهد بگوید شما برو پشت سر آن‌ها نماز بخوان، زیرا نماز آنها چنین و چنان است؛ قطعاً نماز باطل است در آن هیچ شکی نیست.

کسی که «تکتف» داشته باشد، نمازش باطل است، «آمین» بگوید نماز باطل است، در وضو پایش را بشوید نمازش باطل است، «بسم الله» نگوید نمازش باطل است، «قل هو الله» نگوید نمازش باطل است؛ ولی با همه

این‌ها بحث نشر فرهنگ اهل‌بیت مهم‌تر از مسئله نماز است. نماز شخصی است؛ ولی اگر ما آمدمیم با نشر فرهنگ اهل‌بیت به تعبیر امام رضا (سلام الله علیه)

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق، ج ۱؛

ص ۳۰۷

یک جوان سنی را با مکتب اهل‌بیت آشنا کردیم، به تعبیر رسول اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛

«وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ»

به خدا قسم اگر خدا یک نفر را به وسیله تو هدایت کند، برای تو از تمام دنیا بهتر است.

الکافی (ط - الإسلامية)، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۵؛ ص ۲۸، ح ۴

حقیقت ایمان، ایمان این پیر زن است!

در نماز ما تابع اهل‌بیت هستیم، می‌گوید آقا این نماز باطل است، چرا؟ به تو ارتباطی ندارد! «جدیر صیرفی» خدمت امام صادق می‌آید، امام صادق برای مهمان‌هایشان میوه سیب آورده بودند، حضرت فرمود «جدیر» نظر شما نسبت به من چیست؟ «جدیر» سیب را از وسط نصف کرد گفت: "یابن رسول الله اگر شما به من بگویید نصف این سیب حلال است من می‌خورم و نصف آن حرام است من دور می‌اندازم،" ما باید این‌طوری باشیم، تعبدمان این‌طوری باشد.

باز در جلد ۷۲ - ۷۳ «بحار الانوار» روایت‌های خیلی قشنگی است، که این هم از برکت همان مطالعه من بوده است، تعدادی از صحابه مانند: «زراره، محمد بن مسلم، جمیل ابن دراج و...» نزد امام صادق (سلام الله علیه) نشسته‌اند يك پیره زنی می‌آید از امام صادق می‌خواهد سوال بپرسد.

امام می‌فرماید: ببینید این پیره زن چه می‌خواهد سوال بپرسد توجه و دقت کنید، پیره زن می‌گوید یا ابن رسول الله من دکتر رفتم، دکتر به من گفته شما مریض هستی و برای شفای مرضت باید بروی شراب بخوری! امام صادق فرمود برای چه آمدی از من سوال کنی؟

خوب دقت کنید امام صادق به صحابه می‌گوید شما ببینید ایمان این پیره زن چطوری است. گفت یا ابن رسول الله اگر به من گفتمی نخور، نمی‌خورم شب اول قبر از من سوال کردند که چرا نخوردی و خودکشی کردی می‌گویم امام زمانم «جعفر ابن محمد» گفت نخور! اگر گفتمی بخور، خوردم و شب اول قبر سوال کردند چرا شراب خوردی می‌گویم امام صادق به من گفته است، بعد امام به صحابه رو کرد و فرمود: حقیقت ایمان این است، این را حقیقت ایمان می‌گویند.

دوستان عزیز! يك مقداری اگر ما دقت کنیم کارهای که داریم انجام می‌دهیم، این کارهای ما مرضی مولایمان حضرت ولی عصر است یانه؟ الان این دنیای پرغوغای شبهه که از آسمان و زمین علیه شیعه دارند شبهه پخش می‌کنند، طلبه‌های ما کجا هستند، آیا واقعا بنده و جنابعالی با دو تا وهابی رو برو بشویم و یا در فضای مجازی با این‌ها بر بخوریم، توانایی پاسخ به این شبهات را داریم یا نه، خودمان هم متأثر می‌شویم؟

### وقتی شبهات وهابیت، استاد و شاگرد را به هم می‌ریزد!

من یادم نمی‌رود سال ۸۳ یا ۸۴ بود کتاب «لله ثم لتاریخ» به زبان فارسی ترجمه شد، يك شبهات خیلی سنگینی علیه شیعه در آن مطرح شده بود، «عربستان سعودی» این را با تیراژ چند ده میلیونی چاپ کرده بود، با خاور در «قطیف»، «احساء» و حتی «کویت» می‌فرستادند و در آن‌جا به جوان‌های شیعه می‌دادند!!

«حاج آقای سبحانی» به من زنگ زد، من خدمت ایشان رفتم، گفت فلانی يك ماه تا يك ماه و نیم به ایام حج مانده این فرد خیلی شبهات سنگینی در این جا مطرح کرده است من از شما مصرانه می‌خواهم با دوستانتان بنشینید يك جواب خیلی مختصر و متقن برای این‌ها بنویسید تا ما سریع چاپ کنیم و روحانیون کاروان‌ها با خودشان ببرند و داشته باشند.

من تعدادی از رفقای را که «رسائل، مکاسب و کفایه» تدریس می‌کردند جمع کردم، یکی از بزرگان را که همه می‌شناسید، به ایشان گفتم مثلا از صفحه ۱۰ تا ۲۵ برای شما، بعد از يك هفته نزد من آمد کتاب را پرت کرد، گفت آقای «قزوینی» این چه حرفایی است؟ اصلا من وقتی این را خواندم ذهن من مشوّش شد، عقیده من را هم این حرف‌ها متزلزل کرد!!

گفتم عجب، این قدر ماها از مباحث اعتقادیمان بی‌خبر هستیم که این چهارتا شبهه بی‌اساسی که مطرح شده جناب مستطاب عالی که به قولی هشت، نه سال است «رسائل و مکاسب» تدریس می‌کنید، تحت تأثیر این شبهات قرار گرفتید!! این جوان‌های که اصلا حوزه ندیدند پس چه می‌شوند؟

من يك روزی از «بیت الله الحرام» در «باب السلام» از سعی بین «صفا و مروه» بیرون می‌آمدم دو تا از طلبه‌های مدرسه آقای «مجتهدی تهران» من را دیدند، در ماهواره‌ها برنامه‌های من را دیده بودند، این‌ها نزد من آمدند و دیدم دست، صورت و پیشانی من را می‌بوسند، گفتم قضیه چیه؟

گفتند «حاج آقای قزوینی» ای کاش ما پیمان می‌شکست به «مکه» نمی‌آمدیم، ای کاش «سرطان» می‌گرفتیم، شروع کردند به خودشان نفرین کردن! گفتم چه شده؟ گفتند ما این‌جا کنار بیت الله الحرام با یکی از این دانشجویان رفیق شدیم، ما را نزد یکی از اساتیدش برد، يك سری سوالاتی از ما پرسید و يك سری شبهاتی مطرح کرد که اصلا ما عقیده مان به همه چیز برگشته ما نمی‌دانیم چه خاکی به سرمان بریزیم؟ این مطالب را به من می‌گفتند و این دو تا طلبه يك سره گریه می‌کردند.



گفتم غروب در «هتل الرواسی» تشریف بیاورید، دوستانی که رفته‌اند می‌دانند نزدیک‌ترین هتل به بیت الله الحرام است. تقریباً دو دقیقه فاصله دارد. گفتم شب در آنجا تشریف بیاورید در این‌جا که نمی‌شود، شب در هتل آمدند، پرسیدم چه به شما گفتند؟ گفتند این مطلب را گفتند، گفتم جوابش این است. دیدم بندگان خدا همین‌طوری چشم‌هایشان برق می‌زند، گفتم دیگر چه گفتند، گفتند این مطلب را! گفتم این هم جوابش است. چهار- پنج شبهه را جواب دادم، خدا می‌داند این‌ها دست من که نه زیر پای من را می‌خواستند ببوسند می‌گفتند حاج آقا شما فرشته هستی.

گفتم عزیزان! من فرشته نیستم؛ این مسائلی است که ائمه (علیهم السلام) برای ما گفتند و در کتاب‌های ما است؛ ولی شماها فقط به «ضرب زید عمرا» چسپیدید، تا به حال متوجه هم نشدید آیا این ضربی که کرده تعزیر دارد و یا ندارد؟ آیا با گناه بوده زده یا بی گناه بوده زده است؟ شما برایش محکمه تشکیل ندادید. فقط به فقه و اصول چسپیدید!

شما ببینید صحبتی که «مقام معظم رهبری» سال ۹۵ در اولین روز درس خارج فقه شان داشتند به طلبه‌ها گفتند: شما فقط به فقه و اصول نچسپید، پاسخ به شبهات هم یک نوع فقاقت است، طلبه‌های حوزه باید خودشان را برای پاسخگویی این شبهات مجهز کنند.

شما کتاب «بحار الانوار» را باز کنید همان روایتی که بارها شنیدید، امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرماید:

**«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مَرَابُطُونَ بِالتُّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَقَارِيئَهُ»**

علمای شیعیان ما مرزبانان مذهب تشیع هستند که از نفوذ شبهه شیاطین جلوگیری می‌کنند.

دوستان عزیز! بعد حضرت تعبیری دارد این را من می‌گویم شما یادگاری در ذهن تان داشته باشید، که از این شب تلاش کنید هر شب یک ساعت، نه بیشتر، به بحث ولایت و امامت و پاسخ به شبهات بپردازید، در ماه ۳۰

ساعت می‌شود، در طول سال ۳۶۰ ساعت می‌شود، در کُل، انبوهی از اطلاعات در این حوزه برای شما می‌شود. شما بپردازید به شبهاتی که امروز دارند مطرح می‌کنند، جواب‌هایش را در ذهن تان بسپارید.

در ادامه امام صادق می‌فرماید:

«فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ»

بحار الأنوار (ط - بیروت)، مجلسی، محمد باقر، دار إحياء التراث العربي - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

ج ۲؛ ص ۵

يك سرباز پاسخگو به شبهات از يك ميليون رزمنده میدان جنگ افضل است، نه برابر! ما آرزویمان بود که در دوران جنگ بودیم، یا در دفاع از حرم بودیم، بفرمایید جهاد در درون خانه‌های ما است، امام می‌فرماید «افضل الف الف مره» از يك ميليون رزمنده ارزشش بالاتر است!

با یک صلوات برویم سراغ سؤالات عزیزان.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

۱- آیا سند نسب خلیفه دوم درست است یا نه؟

اگر از من می‌شنوید خیر درست نیست، با اینکه «سیوطی» نقل کرده، «ابن اثیر» نقل کرده، ولی در این فاز رفتن را من خلاف شرع می‌دانم، و بعضی از مطالبی هم که نقل می‌شود مثل اینکه «کان فيه مرض دوائه ماء الرجال و...» این‌ها از ناآگاهی ما است، اصلاً «ماء الرجال» يك گیاه است. شما کتاب «تحفه حکیم مؤمن» را ببینید، ما تصور می‌کنیم که هر گردی گردو است، شروع می‌کنیم بله ببینید چه بوده!

بعد می‌رویم این را با چهار تا سنی مطرح می‌کنیم، جوابش را از کتاب‌های خود ما می‌آورد و می‌گوید به این شکلی بوده است؛ لذا سند «نهم ربیع» برای مرگ خلیفه دوم، صد در صد دروغ است. خلیفه دوم ۲۴ ذی الحجه از دنیا رفته است.

دوستان اگر «بحار الانوار» جلد ۳۳ صفحه ۳۳ مثل سوره احزاب سوره ۳۳ آیه ۳۳ که آیه تطهیر است، این جلد «بحار الانوار» هم جلد ۳۳ صفحه ۳۳ است علامه مجلسی مفصل قضیه آمدن «ابولؤلؤ» به مسجد و کشتن خلیفه دوم را مطرح کرده است.

این که در «کاشان» قبری است که مربوط به «ابولؤلؤ» است و می‌گویند قاتل عمر بوده است، می‌گوید همه این‌ها دروغ است. «ابولؤلؤ» بعد از این که نسبت به خلیفه آن کار را کرد، مردم به او حمله کردند و خودش خودکشی کرد، با شمشیر خودش را کشت و جنازه را در «قبرستان بقیع» دفن کردند. این فرمایش «علامه مجلسی» در «بحار الانوار» جلد ۳۳، صفحه ۳۳ است که در هفت - هشت صفحه آن را بحث کرده‌اند.

## ۲- روش شناسی مطالب تاریخی معتبر از غیر معتبر چیست؟

مشخص است که در بحث‌ها، حالا فقه باشد، اصول باشد، تفسیر باشد، تاریخ باشد یا مقتل باشد، یکی از زیر بناهایش تسلط به علم رجال است، طلبه‌های ما باید در علم رجال خودشان مجتهد و صاحب نظر باشند.

نمی‌توانید بگویید من به فرض نظر «آقای خویی» را در رجال قبول دارم، شما می‌دانید ما نزدیک ۱۷۰۰ - ۱۸۰۰ روایت از «سهل ابن زیاد آدمی» داریم، ایشان می‌گوید «سهل ابن زیاد آدمی» ضعیف است، باید تمام این روایت‌ها را دور بریزیم!

در مقابل، امام رضوان الله تعالى عليه می‌گوید روایتش درست است، می‌خواهید چه کار بکنید؟ نظر ایشان را می‌خواهید بگیریید و یا نظر «امام» را می‌خواهید بگیریید؟ «صاحب جواهر» می‌آید يك را صد در صد ضعیف می‌داند و روایتش را رد می‌کند، «صاحب حدائق» قبول دارد، صاحب «ریاض» قبول دارد.

خیلی راحت به شما بگویم در رابطه با «سهل ابن زیاد» که ۱۷۰۰ - ۱۸۰۰ روایت دارد، «شیخ طوسی» در کتاب «فهرست» می‌گوید «ضعیف جدا» در رجال خودش او را توثیق می‌کند! شما می‌خواهید چه کار کنید؟ تا کسی در مباحث رجالی خودش صاحب نظر نباشد نمی‌تواند موفق باشد.

یکی از توفیقاتی که خداوند به من داده است این است که من در حوزه ۲۰ سال رجال تدریس داشتم، پایه ۸ - ۹ و ۱۰ ما کتابی به اسم «المدخل الی علم الرجال والدرايه» نوشتیم و خود «مرکز مدیریت» هم آن را چاپ کرده است، الان هم دوستان آن را تدریس می‌کنند. ۱۸ درس برای پایه ۸ است، ۱۸ درس برای پایه ۹ است و ۱۸ درس هم برای پایه ۱۰ و بحث درایه است.

عین «مبادی العربیه» من آمدم سوال طرح کردم، بعد جواب دادم. و در آخرش هم تمرین گذاشتم، بعضی از این تمرین‌ها حدود ۱۰ تا ۱۲ ساعت از من وقت گرفته است، تمرین‌ها را از احادیث اخلاقی «کافی» انتخاب کردم، سوال رجالی آن را هم تلاش کردم با متن هم خوانی داشته باشد و کسی هم قبل از من این کار را نکرده بود که حداقل ما بیاییم از زحمات آن‌ها استفاده کنیم، بعد از ما بعضی از بزرگواران این کار را کرده‌اند، شاید تکمیل‌تر هم کرده‌اند.

معتقدم اگر يك طلبه‌ی سه تا ۱۸ تمرین را با يك هم مباحث، خوب مباحثه کرده و حل کند من تضمین می‌کنم در علم رجال نیمه متخصص خواهد شد، رجال علم نیست، بلکه رجال کاربرد است، مثل رانندگی می‌ماند.

شما اگر آیین نامه رانندگی را مثل حمد و سوره هم حفظ کرده باشید، ولی عملی کار نکرده باشید وقتی به شما بگویند این ماشین را حرکت بده، اصلاً نمی‌توانید؛ زیرا اصلاً نمی‌دانید سوئیچ چیه، ترمز چیه، کلاچ چیه؛ ولی برای این‌که رانندگی یاد بگیرید، باید یک مربی کنارتان باشد، به شما عملی یاد بدهد، دستم بگیرد و پا به پا برد...

۳- بار دیگر منبع حدیث «یا فاطمه ان الله یرضی لرضاک و یغضب لغضبك» بفرماید.

«مستدرک حاکم نیشابوری»، جلد ۳ صفحه ۱۵۳، «صحیح بخاری»، جلد ۴، صفحه ۲۱۰، حدیث ۳۷۱۴، «صحیح مسلم»، جلد ۷ صفحه ۱۴۱، حدیث ۶۲۰۲.

ما در حدود دویست- سیصد تا روایت داریم، این روایت‌ها روایت‌های کار بردی است، مثل حمد و سوره است، من توصیه می‌کنم این‌ها را قبل از این‌که متن را حفظ کنید، آدرسش را حفظ کنید، خیلی هم سخت نیست، یعنی من معتقدم یک جزء قرآن و یا ثلث جزء قرآن را اگر توانایی حفظ داشته باشید، در حفظ کردن آدرس‌ها هم موفق خواهید بود.

البته تمرین زیاد می‌خواهد، من تلاش می‌کنم این‌ها را هر هفته یک دور از اول تا آخر تکرار کنم؛ چون تکرار نشود عددها به این سادگی در ذهن آدم نمی‌ماند، مثلاً من عدد حدیث ۳۷۱۴ را حفظ نمی‌شدم به این ترتیب در ذهنم کد گذاری کردم که ۳۷ جنگ صفین است و عدد ۱۴ هم ۱۴ معصوم است. «حقانیت چهارده معصوم در جنگ صفین»! این تداعی‌ها در عددها خیلی برای ما کار ساز است.

یا حدیث «خلفائی اثنی عشر» حفظ آدرسش سخت است، دیدم هر کاری می‌کنم از ذهنم می‌رود، من شماره آخر موبایلم را با یک موبایل دیگر تلفیق کردم، به همان شکل آدم آدرس ۴۳۹۸۸۹ را در ذهنم سپردم. وقتی که می‌خواهم آدرس را بگویم سریع شماره تلفن در ذهنم می‌آید بعد ذهنم به آن آدرس منتقل می‌شود.

۴- مواضع «آیت الله وحید خراسانی» در مورد «وحدت» چگونه است؟

ایشان صد در صد موافق وحدت است، طلبه‌های را که به «زاهدان» و مناطق اهل سنت می‌فرستد، ایشان توصیه می‌کنند در آن‌جا از «ابوبکر، عمر، عایشه» به هیچ وجهی نفی و اثباتا کسی حق ندارد حرف بزند، و این منافات با وحدت دارد، بحث وحدت بحث قرآن است:

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)

و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

### سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۳

ولی این‌که ملاک وحدت چیست، آیا ما بیابیم از اصول مان دست برداریم، آن‌ها را وادار کنیم از اصول‌شان دست بردارند، من توصیه می‌کنم دوستان کتاب «امامت و رهبری شهید مطهری» را مطالعه کنند در صفحه ۱۴ - ۱۵ این‌که ملاک وحدت با اهل سنت چیست را ایشان خیلی قشنگ توضیح داده است.

۵- در فضای مجازی مصاحبه‌ی از شما پخش شده که آقای «محمود کریمی» مداح شهیر را تکفیر کرده‌اید؟

نه عزیز من، اصلا من اسمی از ایشان نبردم، فتاوی‌ی مراجع را خواندم و گفتم آن‌های که می‌گویند من حسین اللهی ام تکفیر کو، من زهرا اللهی ام تکفیر کو، فقهای ما می‌گویند اگر این را کسی از صمیم قلب و با نیت بگوید

کافر است؛ حتی «آیت الله مکارم شیرازی» در درس خارج فقه‌شان به صراحت گفت من تکفیر می‌کنم؛ یعنی اگر نستجیر بالله کسی معتقد باشد زهرا را الله او است!

بعد من گفتم این‌های که دارند می‌گویند من حسین اللهی‌ام تکفیر کو، این‌ها می‌خواهند يك مبالغه‌ی کرده باشند، از ته دل‌شان اگر شما سوال کنید، این‌ها به هیچ وجهی معتقد به الوهیت حضرت سید الشهدا و یا حضرت زهرا نیستند. این‌ها اهل نماز و عبادت هستند، همان‌جا نماز می‌خواند و الله اکبر، و السلام عليك ايها النبي می‌گوید. این‌ها در حقیقت يك بد سلیقیگی است.

ولی ذیل حرف من را حذف کردند، آن تکه‌اش را که کسی بگوید من حسین اللهی‌ام تکفیر کو؟ بله این کفر است، بعد آمدند يك عبارتی از «کریمی» آورده‌اند، البته آن زمان که ما این را گفتیم، این عبارت «کریمی» نبود، بعد از دو سال - سه سال بعد از آن این شعر را خواند.

آن زمان یکی از این مداح‌ها بود که سرطان هم گرفت و مرحوم شد. ایشان آمد اشعاری را خواند و شبکه‌های وهابی اشعار او را در شبکه‌های خودشان پخش کردند و می‌گفتند ببینید شیعه‌ها کافر هستند، زهرا را الله می‌دانند، حسین را الله می‌دانند.

من در رابطه با ایشان گفتم، در همان‌جا هم گفتم این آقای که دارد این اشعار را می‌خواند، نماز می‌خواند می‌گوید الله اکبر، نستجیر بالله الحسین اکبر نمی‌گوید به هر صورت کاری است که آقایان دارند می‌کنند.

۶- لطفا راجع به «احمد الحسن» توضیح مفیدی ارائه دهید، آیا این شخص تقاضای مناظره با مراجع کرده است؟ شما چه جوابی دارید؟

من دیشب در «مدرسه فیضیه» راجع به این قضیه مفصل صحبت کردم، نوارش در «سایت ولیعصر» گذاشته شده است، از آن‌جا می‌توانید دانلود کنید. این را هم عرض کنم که ما يك هفته در میان در «مسجد حضرت

زینب - پردیسان» نقد «احمد الحسن» داریم. در این زمینه الحمدلله از آن وقتی که ما ورد پیدا کردیم، تقریباً ورق برگشته، این‌ها به انفعال افتاده‌اند.

خود «آیت الله اعرافی» به من گفتند فلانی جزواتی زیادی را من گرفتم و مطالعه کردم، چیز زیادی دستگیر من نشد؛ ولی آن ده دقیقه کلیپ شما که پنج تا شبهه علیه «احمد الحسن» وارد کردید را دیدم، خوشم آمد و دیدم شما محکمت این‌ها را زیر سوال بردید، ایشان از من خواستند یک جزوه‌ی تهیه کنم تا در سطح کشور برای طلبه‌ها توزیع بشود.

ما قبل از اربعین یک جزوه‌ی کوچکی که جیبی هم است، پنجاه تا سوال کمرشکن از «احمد و اتباع احمد» کردیم، این جزوه هم موجود است و خدمت‌تان تقدیم می‌شود این را هم مطالعه کنید، ما عصاره‌ی کفریات «احمد الحسن» را در این پنجاه تا سوال آوردیم.

بینید رفقای ما جناب آقای «شهبازیان» و دیگران واقعا کار کردند و مطالعه کردند، شاید مطالعه‌شان ده برابر من در رابطه با «احمد الحسن» باشد؛ ولی روش‌شان تا الان روش صحیحی نبوده است، بحث علمی با این‌ها هیچ فائده‌ی ندارد، ما این را با وهابی‌ها تجربه کردیم، من در حدود دویست و سی، چهل جلسه در «عربستان سعودی» با مفتیان و اساتید دانشگاه جلسه داشتیم، ما دیدیم بحث علمی هیچ فائده‌ی ندارد، بهترین راه، هجمه و طرح سوال است، که توب را به زمین طرف بیندازیم و این نتیجه داد.

ما از سال گذشته که شروع کردیم و به قولی پا در کفش «احمد الحسن» گذاشتیم الحمدلله، الحمدلله بسیار موفق بودیم، سال گذشته این‌ها شصت تا موبک بین «نجف تا کربلا» داشتند امسال همین جزوه و این که ما حدود ۵۰- تا ۶۰ نفر طلبه‌ها را از «مشهد، تبریز، شیراز، تهران و...» کلا از سطح کشور در «قم» جمع کردیم به مدت سه روز در خدمت‌شان بودیم.



این‌ها کسانی بودند که با «احمد الحسنی» ها مناظره داشتند، «حاج آقای اعرافی» هم روز آخر آمد يك سخنرانی خیلی محشری در آن‌جا کرد، ما به این‌ها یاد دادیم، شما که می‌خواهید با «احمد الحسنی» ها کار کنید راه دارد و راهش این است، بحث علمی همه جا فایده نمی‌دهد.

الحمد لله امسال کاری کردند که «موکب ۵۱۹» شان که چند تا مناره داشت و پرچم «البيعة لله» زده بودند؛ استخبارات و امنیت نجف آمد آن را جمع کرد و این‌ها را هم دستگیر کردند و به زندان انداختند، این به برکت تبلیغات خوب دوستان ما بود.

الان هم سوختن و جلز ولز این‌ها در آمده، این‌ها تا ۵ - ۶ ماه قبل در شبکه‌هایشان پخش می‌کردند «احمد الحسن» امام سیزدهم است، جحة الله، و ولی الله است! الان دو تا ماهواره و سی تا چهل تا فضای مجازی دارند، شبهاتی که بچه‌های ما پخش می‌کنند، مثلا «احمد الحسن» آمده گفته من از سگ بدترم، آیا این‌ها گفته از سگ بدترم راست گفته و یا دروغ گفته، اگر دروغ گفته آدم دروغگو که امام نمی‌شود، اگر راست گفته شما تابع سگ هستید؟

یا ایشان آمده گفته نستجیر بالله امام حسین مشرک بوده و در وجودش شرک بوده، آیا يك کسی که به قول می‌گوید من فرزند امام مهدی هستم، می‌گوید من شرک ندارم؛ ولی امام حسین دارای شرک بوده است این چطوری است؟

یا دارد:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ)

که انسانها همه در زیانند

سوره عصر (۱۰۳) آیه ۲

در مورد حضرت علی است! ما روایت متعدد داریم که مراد اعداء اهل بیت است؛ ولی ایشان می‌گویند مراد از «لَفِي حُسْبٍ» امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

در مورد پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) دارد چه کسی گفته پیغمبر خاتم انبیاء بود، هر کس گفته اشتباه کرده است، حتما روایات را ایشان نخوانده است، اصلا ایشان منکر خاتمیت است.

در این طور قضایا «حاج آقای سبحانی» در بحث اصولشان يك ضرب المثلی داشت می‌گفت: «حاج اکبر» شکسته بند که در چهار مردان بود، وقتی که کسی نزدش می‌رفت و می‌گفت پای من شکسته، دستش را دقیق در محل شکسته می‌گذاشت، ما هم باید ببینیم که نقطه ضربه پذیر این‌ها چیست و آن‌جا را هدف قرار بدهیم.

#### ۷- ازدواج با اهل سنت جایز است یا خیر؟

آقایان «فاضل» و دیگران فتوا داده‌اند، اگر انسان احساس کند که با ازدواج اهل سنت اعتقادات ولایی او از دست نمی‌رود اشکال ندارد؛ ولی اگر احتمال هم بدهد که اعتقادات اهل بیتی او دچار مشکل می‌شود جایز نیست.

#### ۸- حمله منجر به زخمی شدن حضرت زهرا (سلام الله علیها) چند وقت قبل از شهادت ایشان بود؟

ببینید سه یا چهار بار به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) حمله شده است. من دقیق نتوانستم (شاید نقص از من بوده) از روایات قاطعانه به این نتیجه برسم، که حمله اول بوده، یا روز بعد از وفات پیغمبر بود، یا روز سوم بوده یا روز هفتم بوده؛ ولی این که به خانه حضرت زهرا حمله شده و حضرت زهرا مورد ضرب و شتم قرار گرفته این از قطعیات تاریخ است، در کتاب «کافی» دارد که حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۴۵۸

«جوینی» استاد «ذهبی» است، در کتاب «فرائد السمطین» جلد ۲ صفحه ۳۷ در بحث شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌گوید:

### «کانت مقتولة»

این را خودشان هم دارند.

۹- در مورد «فاطمة بضعة منی» بعضی‌ها گفته‌اند که در رابطه با ازدواج مجدد امیرالمؤمنین است، نظر شما چیست؟

بله راست می‌گویند، راوی خیلی خوبی دارد، دیگر از هر جهت مورد اعتماد است، در حد پیامبران مرسل بود!! «مسور ابن مخرمه» تمام رجال نویسان نوشته‌اند که ایشان سال دوم هجرت به دنیا آمده است؛ یعنی زمانی که هجوم به خانه حضرت زهرا شده و پیامبر از دنیا رفته است ایشان کودک بوده است.

این قضیه خواستگاری از دختر «ابوجهل» را همه از «مسور» نقل کرده‌اند و در زمان رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) «مسور» در دامن مادرش بوده است و اضافه بر این ایشان سر پناه خوارج بوده است.

یکی از علمای بزرگ «مصر» کتابی به نام «فاطمه» نوشته و در آن‌جا خوب تحلیل کرده می‌گوید زمانی که این قضیه اتفاق افتاده ایشان یک بچه شیرخواره بوده، اصلاً در این حد نبوده که بتواند مسجد بیاید و همچنین چیزی را نقل کند.

و اینکه آقایان می‌گویند حضرت رفته با دختر «ابوجهل» ازدواج کرده و «فاطمة بضعة منی» صادر شده است، اصلاً دختر ابوجهل در آن زمان کافر بوده است، دختر «ابوجهل» ظاهراً اسمش «عاتکه» است، ایشان بعد از فتح «مکه» مسلمان شد و با حاکم «مکه» هم ازدواج کرد.

۱۰- بعضی از دوستان مراسم «عید الزهرا» را در مجالس خصوصی برگزار می‌کنند، نه به صورت علنی که پخش شود، نظر شما در این مورد چیست؟

بنده عرض کردم، خود من شرکت در این جلسات را خلاف شرع می‌دانم، به قولی هرکسی نظر خودش را دارد، یا نظر مرجع خودش برایش محترم است.

ولی با توجه به تجربه‌ی که بنده دارم و بحث‌های که ما با وهابی‌ها و اهل سنت در «هندوستان»، «افغانستان»، «عربستان»، «سوریه»، «آذربایجان» و... داشتیم؛ در «آمریکا» که رفته بودیم با این‌ها درگیر بودیم، من هفته گذشته از «آلمان و هلند» آمدم در آن‌جا هم با وهابی‌ها درگیر بودیم؛ یکی از اساسی‌ترین اشکالی که برای ما می‌گیرند، بحث «سب صحابه» است.

الان کلیپ‌ها و «کلیپ اسپایکر» را که در «آپارات» هم است شما ببینید، در آن کلیپ شیخ و مفتی‌شان سخنرانی می‌کند، می‌گوید شما رافضی‌ها صحابه را سب می‌کنید ما شما را تکه تکه می‌کنیم و مغزتان را که از «سب صحابه» پر شده «تقربا الی الله» متلاشی می‌کنیم!

۱۱- برخی می‌گویند اگر لعن ائمه اهل سنت بد است، چرا مرگ بر آمریکا می‌گوییم؟

این بحث، بحث سیاسی است، فرق می‌کند با این‌که ما بحث مذهبی راه بیندازیم، آمریکا یک دشمن شاخص در برابر ما است، آمریکا به دنبال این است که اسلام را نابود کند، کاری به شیعه و سنی ندارد، با همان اسلحه‌ای که در «کابل» سنی‌ها را می‌کشد با همان اسلحه در «مزار شریف» شیعه‌ها را می‌کشد، با همان سلاحی که در «شهرک شهید صدر» شیعه‌ها را کشتند، با همان سلاح هم در «بغداد» سنی‌ها را کشتند، برای این‌ها شیعه و سنی فرقی نمی‌کند.

سخنرانی که سال گذشته در ماه رمضان «نتانياهو» داشت، گفت بگذارید این‌ها همدیگر را بکشند، از داعش هم کشته شود به نفع ما است و از شیعه‌ها هم کشته شود به نفع ما است. هرچه مسلمان از بین برود به نفع ما اسرائیلیها است! آن‌ها به دنبال این هستند.

۱۲- روایتی اهل بیت برائت را به فرزندان خود آموزش می‌دادند، درست است؟

خیر، روایت مرسل است، و هیچ سندیتی هم ندارد «نحن معاشر الائمة نأمر أبنائنا وصیبياننا ببرائت منهم وسبهم...» سند ندارد.

۱۳- آیا در سوزاندن درب خانه وحی سندی از کتب اهل سنت وجود دارد؟

بنده از کتاب‌های آن‌ها بحث احراق بیت را ندیدم، ما در این زمینه مفصل کار کردیم، حتی سال ۸۵-۸۶ در «شبکه المستقله» که از «لندن» پخش می‌شد و این شبکه وابسته به «عربستان سعودی» است، یک بحثی در رابطه با شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود، در آنجا یک قضایایی اتفاق افتاد، بعد «آیت الله مکارم شیرازی» شخصا به من زنگ زد و گفت فلانی حضور شما در این شبکه و در این مناظره تکلیف است! من سه شب در آن شبکه مناظره داشتم، دوستان اگر بحث‌های ما را هم ببینند در سایت ولی عصر است و در سایت شبکه ولایت هم گذاشته شده است، آنچه که برای ما قطعی است همان تعبیری است که خلیفه دوم می‌آید می‌گوید:

« والله لأحرقن علیکم أو لتخرجن إلی البیعة »

قسم به خدا خانه را آتش می‌زنم

تاریخ الطبري، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت؛

ج ۲، ص ۲۳۳

«انساب الاشراف»، ج ۱، صفحه ۵۸۶، دارد که:

« أَنْ أَبَا بَكْرٍ أَرْسَلَ إِلَيَّ عَلِيٌّ يُرِيدُ الْبَيْعَةَ، فَلَمْ يُبَايِعْ. فَجَاءَ عُمَرُ، وَمَعَهُ فَتِيلَةٌ فَتَلَقَتْهُ فَاطِمَةُ عَلَى الْبَابِ،

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: يَا ابْنَ الْخَطَابِ، أَتُرَاكَ مُحَرِّقًا عَلَيَّ يَا بِي؟»

فاطمه گفت: آمدی ما را آتش بزنی

« قَالَ: نَعَمْ، وَذَلِكَ أَقْوَى فِيمَا جَاءَ بِهِ أَبُوكَ.»

برای تثبیت شریعت جدت سوزاندن شما ایراد ندارد.

جمل من أنساب الأشراف؛ المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (المتوفى: ۲۷۹هـ)؛

تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي؛ الناشر: دار الفكر - بيروت؛ الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶م؛ ج ۱،

ص ۵۸۶

آقای خلیفه قسم خورده «والله لأحرقن» از آن طرف هم ما دلیلی نداریم که آقای خلیفه دوم حنث قسم کرده و کفاره داده باشد؛ کسی قسم بخوره باید عمل کند اگر عمل نکرد باید کفاره بدهد. این قضیه تقریباً دو دو تا چهار تا است خیلی هزینه ندارد.

البته روش‌های این‌ها جدیداً فرق کرده، آمدند خیلی از روایاتی که ما در فضائل و یا در امامت حضرت امیر داریم و حتی در هجوم به خانه حضرت زهرا داریم را تضعیف کردند.

این «عبدالرحمن دمشقیه» که از لیدرهای آن‌ها است و می‌گویند «عمرو ابن عبدود» وهابی‌ها است، چون کتابی در رابطه با هجوم به خانه حضرت زهرا نوشته و تلاش کرده بر این که روایت را تضعیف کند.

یکی از موضوعاتی که در «شبکه المستقله» بحث شد، همین موضوع بود. آن‌ها سه نفر در يك طرف بودند، آقای «دکتر ابوشوارق» از اساتید دانشگاه اسکندریه مصر، «حسین حسینی» از وهابی‌ها سرشناس «بحرین» و دیگری هم رئیس «شبکه المستقله - دکتر هاشمی» بود که خودش هم يك یلی است.

این چند نفر يك طرف بودند من هم در يك طرف بودم، شب سوم خود «ابو شوارق» رسماً گفت در این سه شب آقای «قزوینی» هم نسبت به اهل سنت مؤدب صحبت کرد و توهین نکرد، هم در علم رجال تخصص داشت و هم حضور ذهن خوبی داشت، ما هرچه شبهه مطرح می‌کردیم و سؤال می‌کردیم بلافاصله با جلد و صفحه کتاب جواب می‌داد، گفتم الحمدلله رب العالمین.

موضوعاتی هم که در آن‌جا بحث کردیم، عمدتاً همین شبهات هجوم به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود، خیلی این‌ها اصرار می‌کردند از من اعتراف بگیرند که مثلاً عمر باعث شهادت حضرت زهرا شد، گفتم اتفاقاً «حاج آقای سبحانی»، و «حاج آقای مکارم» هم گفته بودند که قضیه شهادت حضرت زهرا يك سکه دو پهلوی است يك پهلوی آن شهادت حضرت زهرا است، و پهلوی طرف دیگر آن قاتلین آن است ما کاری به قاتلین نداریم.

در بیوتات مراجع مسئله شهادت حضرت مطرح می‌شود این که چه کسی حضرت زهرا را به شهادت رسانده شما بروید خودتان پیدا کنید، ما در این زمینه چیزی نمی‌گوییم.

این‌ها خیلی اصرار کردند مخصوصاً در شب سوم چهل دقیقه بالا و پایین زدند که از من اعتراف بگیرند، که خلیفه دوم قاتل بوده است من به هر قیمتی بود از جواب طفره رفتم، و این هم دستور اکید خود آقایان مراجع بود، چون من در آن‌جا به عنوان نماینده مرجعیت حضور پیدا کردم، و همیشه هم می‌گفتند فلانی نماینده مراجع است و می‌خواستند این را ملاک قرار بدهند، و این قضیه هم قبل از اتفاقات «سوریه» بود و می‌خواستند این را برای کشت و کشتار شیعیان بهانه قرار بدهند.

اجازه بدهید یک دو تا دعا هم بکنیم جلسه، جلسه‌ای به نام نامی صدیقه طاهره سلام لله علیها است، و قطعاً حضرت امیر عنایت ویژه‌ای به این جلسات دارند و حضرت ولی عصر هم عنایت ویژه دارد به جلساتی که مربوط به مادر بزرگوارشان حضرت صدیقه طاهره است.

خدایا قسمت می‌دهیم به آبروی زهرا، به آبروی زهرا، به آبروی زهرا هرچه سریع تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان بقیة الله الاعظم بیوشان. ما را از سربازان فداکار و از یاوران مخلص و شهدای رکابش قرار بده.

انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرتش متصل بفرما. خدمت گزاران به اسلام به قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری موفق مؤید بدار. رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما.

بر عزیزان ما در «یمن» که در قضیه‌ی حمله وحشیانه سعودی در «الحدیده» در فشار سختی هستند و از همه عزیزان هم تقاضا می‌کنیم ان‌شالله دعای توسل یا جوشن صغیر بخوانند، خدا به آبروی حضرت زهرا دشمنان دین، دشمنان اسلام، دشمنان قرآن بویژه وهابیت پلید را محو و نابود و سرنگون بگردان.

نصرت بر همه‌ی سربازان اسلام و سربازان مخلص حضرت ولی عصر به ویژه عزیزان ما در «یمن» کرم بفرما. خدایا قسمت می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. شر دنیا و آخرت از ما برطرف کن خدایا دعا های ما را به اجابت برسان. حوائج ما برآورده نما.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صالحین، صدقین بالاخص «امام راحل» و دو تا یادگارش صلوات بفرستید.

والسلام علیکم و رحمة الله